جُنگ کارگری

گروه کار کارگری

حزب چپ ایران

جمعه ۲۴مرداد ۱۴۰۴، برابر ۱۶ آگوست ۲۰۲۵ | شماره ۳۳۶ | Iranian Workers Analects – No:336

یادداشت

پیام ناتانیاهو جلاد غزه به کام حکومت علیه جنبش مستقل مردم

صادق کار

ناتانیاهو جلاد غزه و متهم به نسل کشی در دادگاه بین المللی و شخصی که با جنایات بیرحمانه خود در غزه اکثر مردم جهان را به اعتراض همه روزه واداشته است به مردم ایران وعده چیزهایی را داده است که خود در غزه و تجاوز به کشورهای همسایه خلاف آن را اثبات کرده است. پیام دو روز پیش وی به مردم ایران از آنجا که ماهیت دولت اسرائیل چنان افشا شده است که نیازی به روشنگری بیشتر ندارد و مردم ایران با دادن جواب رد به درخواست وی در تجاوز ۱۲ روزه نشان دادند که حرفهای فریبکارانه این جنایتکار جنگی و دیگر اعضای دست راستی دولت اسرائیل که پیامهای مشابه‌ای خطاب به مردم ایران منتشر کرده‌اندآنان را اغوا نخواهد کرد.

پیام ناتانیاهو و همکاران وی در دولت شبه فاشیستی اسرائیل در عمل به نفع حکومت و در خدمت سرکوب جنبش های اعتراضی مستقل و مردمی قرار دار و مانند مورد قبلی مستمسکی خواهد شد برای تشدید سرکوب و اختناق وتلاش برای مهار دامنه اعتراضات مردمی و مستقل توسط حکومت.که دوباره بعد از پایان جنگ ۱۲ روزه در مسیر رشد و بالندگی قرار گرفته است. ناتانیاهو و بقیه عوامل دولت اسرائیل با تحریک حکومت به سرکوب می خواهند از مردمی که به دعوت قبلی آنها جواب رد داده‌اند انتقام بگیرند

مقصود از این پیامهای گمراه کننده همچنین می تواند سوء استفاده از نتایج اعتراضات و جنبش های در حال رشد در آینده به نوعی مصادره نتایج مبارزات مردم به نفع اسرائیل و بهره برداری فرصت طلبانه از آن باشد.

اکثر مردم ایران و جهان می دانند و این را به تجربه از عملکرد ناتانیاهو و دولت اسرائیل دریافته‌اند که آنان به غیر از جنگ، کشتار، اشغال، تجاوزات مکرر به کشورهای همسایه، ارمغان دیگری برای مردم خودش، همسایگاناسرائیل و ایران در بر نداشته است. وحشیگری ها و کشتار وی در غزه و در کشورهای همسایه و دام مرگی که به بهانه دادن غذا برای کودکان و مردم گرسنه و تشنه غزه پهن کرده است و بجای دادن غذا صدها نفر را به قتل رسانده است به قدری گویاست است که کشورهای حامی او را نیز مجبور به اعلام بیزاری کرده است و باعث چنان بدنامی از اسرائیل در جهان شده است که پیش از این سابقه نداشته است. ادعای چنین شخصی مبنی بر این که می خواهد به استقرار دمکراسی و آزادی در ایران یاری برساند به یک فریب بزرگ می ماند تا واقعیت.

جُنگ کارگری

گروه کارگری

حزب چپ ایران

جمعه ۲۴مرداد ۱۴۰۴، برابر ۱۶ آگوست ۲۰۲۵ | شماره ۳۳۶ | Iranian Workers Analects – No:336

دعوت ناتانیاهو و ترامپ و رضا پهلوی از مردم برای پیوستن به آنها برای سرنگون کردن رژیم و همچنین تجاوزجنگی آنان ضربه ای بود که بر پیکر جنبش های اعتراضی مردمی در حال رشد در جریان جنگ ۱۲ روزه وارد آورد.

در آثر این جنگ که خسارات کلانی به زیر ساخت های کشور وارد کرد و باعث کشته و مجروح شدن هزارن نفر گردید، جنبش های اعتراضی فروکش کردند ، سرکوب و اختناق فعالین سیاسی و مدنی مخالف و منتقد رژیم تشدید شد، اعدام مخالفان افزایش یافت و دستکم ۲۱۰۰ نفر به گفته مقامات حکومتی به بهانه داشتن ارتباط با اسرائیل بازداشت و روانه زندان و شکنجه گاه ها شدند. اینها تنها بخشی از اثرات تجاوز اسرائیل و امریکا به ایران بود که به بهانه‌ضربه زدن به حکومت به اجرا گذاشته شد.

جمهوری اسلامی همواره از سخنان دشمنان خارجی خود برای سرکوب و فشار به مخالفین، فعالین سیاسی و مدنی، اقلیت های ملی و مذهبی و جنبش های اجتماعی و مردمی بهره گرفته است ومنشا این حرکات را به دروغ به تحریکات دشمنان خارجی نسبت داده است.حکومت از پیام اخیر ناتانیاهو که ظاهرا علیه حکومت است برای تشدید باز هم سرکوب و اختناق و نسبت دادن جنبش های اعتراضی به دشمن که بسرعت در حال رشد هستند بهره خواهد گرفت. بدنام و سرکوب کردن جنبش های اعتراضی مستقل که هم مخالفت دخالت و تجاوز خارجی به ایران و هم مخالف رژیم استبدادی و فاسد جمهوری اسلامی هستند، نیک که بنگریم در خدمت هر دو رژیم حاکم بر ایران و اسرائیل قرار دارد. زیرا اسرائیل جنبش های اعتراضی دمکراتیک را مانع تجاوز خود وتحمیل اپوزسیون دست نشانده سلطنت می داند، و حکومت اپوزسیون مستقل را خطری برای بقای خود

اتحاد رمز پیروزی است!

متحد و متشکل علیه فقر و استبداد برای نان و آزادی!

تحول اندیشه در بارهٔ فقر: بررسی تعاملات بخش شانزدهم

Lyn Squire و لین اسکوایر Ravi Kanbur نوشتهٔ راوی کانبور

5آسیب‌پذیری و صدا

5.1پرسیدن از تهیدستان - ادامه

آسیب‌پذیری دو بُعد دارد: بُعد بیرونی، یعنی قرار گرفتن در معرض شوکها، فشارها و خطرها؛ و بُعد درونی، یعنی بیدفاع بودن و ناتوانی در مقابله با این شرایط بدون تحمل زیانهای جدی. منابع بیرونیِ خطر شامل بلایای طبیعی چون سیل و بارندگی نامنظم، شیوع بیماریها، جرم و خشونت، آسیب‌پذیری ساختاری خانه‌ها و درگیریهای داخلی اند. برای نمونه، در جریان جنگ داخلی تاجیکستان، فعالیت اقتصادی در مناطق آسیب دیده تقریباً به طور کامل متوقف شد، و پس از جنگ، زنانی که مردان بزرگسالی در کنارشان نبود، تا از آنان محافظت کنند، همچنان احساس ناامنی و آسیب‌پذیری داشتند. به همین دلیل، فقرا صلح و امنیت را در اولویت بالاتری نسبت به غذا یا سرپناه بهتر قرار می‌دادند. با برقراری صلح، مردم تاجیکستان امیدوار بودند که وضعیت اقتصادی و سیاسی، همراه با امنیت فیزیکی، بهبود یابد.

در مواجهه با خطرهای متعدد موجود، فقرا تلاش می‌کنند تا با متنوع سازی منابع درآمدی خود، آسیب‌پذیریشان را در برابر بحرانها کاهش دهند. مثلاً در کنیا، افراد فقیر به مشاغلی مانند کشاورزی معیشتی، دستفروشی، کارگری روزمزدی، تولید "غیرقانونی" نوشیدنیها، جوشکاری، کفاشی، و راه اندازی انواع کسب‌وکارهای کوچک روی می‌آورند. اما چنان که خواهیم دید، این روشها برای مقابله، در بسیاری موارد کافی نیستند.

فقرا در برابر خطر آسیب‌پذیر اند، چون ابزار و منابع کافی برای محافظت از خود را ندارند. اگر یک بحران یا وضعیت اضطراری پیش بیاید، آنها دارایی اندکی دارند که بتوانند از آن برای حل مشکل استفاده کنند، و اگر مجبور شوند همین دارایی اندک را هم مصرف کنند، ممکن است به اعماق فقر بلندمدت تری سقوط کنند. افزون بر این، بسیاری از آنها امکان گرفتن وام یا دسترسی به منابع مالی رسمی را ندارند.
برای نمونه، در کنیا تنها ۴ درصد از فقرا از طریق بانکها و ۳ درصد از طریق تعاونیها به اعتبار مالی دسترسی دارند؛ عمدتاً به این دلیل که دارایی یا وثیقه لازم را ندارند و در نتیجه از نظام رسمی مالی کنار گذاشته شده‌اند. ازاینرو، فقرا در کشورهایی مانند جیبوتی، زامبیا و تاجیکستان، فقر را در پیوندی تنگاتنگ با ناامنی، بی ثباتی و آسیب‌پذیری تجربه و تعریف می‌کنند.

ارزیابی مشارکتی فقر در زامبیا نشان می‌دهد که تعاریف محلی از فقر و آسیب‌پذیری اغلب به ویژگیهای کسانی اشاره دارد که در حاشیهٔ جامعه قرار دارند. ممکن است کل یک روستا زیر خط ملی فقر باشد، اما بسیاری از ساکنان آن هنوز خود را قادر به ادامهٔ زندگی و مقابله با شرایط بدانند و می‌دانند. درک محلی از معیشت نه صرفاً بر میزان درآمد، بلکه اغلب بر امنیت و پایداری آن تمرکز دارد. در نتیجه، تلقی مردم از معیشت، بیشتر بر آسیب‌پذیری دلالت دارد تا فقر صرف، به معنای ناداری. برای نمونه، گزارشها نشان می‌دهند که کشت متنوع محصولات – هم برای تأمین غذا و هم برای درآمد نقدی – می‌تواند آسیب‌پذیری مردم را نسبت به شوکهای محیط زیستی و نوسانات بازار کاهش دهد، و اثرات فصلی آسیب‌پذیری را نیز کم کند. با این حال، فقر روستایی معمولاً با ویژگیهایی همراه است که عمده ترین آنها شامل پیری، نداشتن فرزند، و انزوای اجتماعی برای زنان بیوه یا مطلقه است؛ یعنی انسانها در وضعی که فاقد ابزار و پشتوانه برای مقابله با بحرانها هستند.

در کامرون، فقرا در همه مناطق پنج شاخص عمده را برای تمایز خود از غیرفقرا به دست داده اند: 1- وجود گرسنگی در خانوار، 2- وعده‌های غذایی کمتر و رژیمهای غذایی ناکافی، 3- صرف درصد بالایی از درآمد کم و ناپایدار برای تهیه غذا، 4- نداشتن یا بسیار محدود بودن منابع نقدی درآمد، و 5- احساس ناتوانی و عجز برای شنیده شدن.

این عامل آخر را می‌توان به طور عینی در ناتوانی بیشتر فقرا در کامرون برای گرفتن کارت شناسایی مشاهده کرد؛ مسئله ای که آنان را از نظر قانونی "نامرئی" می‌کند، به این معنا که نمی‌توانند رأی بدهند، از کار و سفر محروم اند، و از فعالیتهای اقتصادی مانند داشتن حساب بانکی یا گرفتن وام بازمی‌مانند.

مردی بازنشسته در یائونده، پایتخت کشور، گفته است: «هر چه زمان می‌گذرد، فقیرتر می‌شویم؛ از این گذشته، دیگر هیچ امنیتی نداریم، همه جا به ما توهین می‌شود، کنار گذاشته می‌شویم. ما اینجا فقیریم، حتی دولت هم ما را نادیده می‌گیرد». یک زن بیوه هم گفته است: «همه جا بهداشت، غذا و مدرسه مال کله گنده‌هایی است که تمام ثروتها را بالا کشیده‌اند.«...

بنابراین، هرچند بُعد درآمد یا جنبه های مرتبط با درآمد در تعیین و تعریف فقر بسیار مهم اند، اما رویکرد مشارکتی نشان می‌دهد که دغدغهٔ اصلی فقرا اغلب احساس انزوا، بی قدرتی و بی صدائی است.

نه به جنگ و استبداد آری به صلح و آزادی

تجاوز دولتهای جنایتکار اسرائیل به ایران را محکوم می کنیم

رابطه انباشت زباله در تهران با اخراج مهاجران و مناسبات برده‌دارانه در بازار کار

صادق

بیش از یک ملیون نفر از مهاجران افغانستانی را که بیشترشان کارگر بودند ظرف یک ماه با وحشیانه ترین و غیر انسانی ترین شیوه حتی بدون اینکه به آنها فرصت بدهند پول رهن خانه هایشان را پس بگیرند و مزد پرداخت نشده شان را از شرکتهایی که برایشان کار کرده بودند بستانند، از کشوری که سالها با استفاده از استثمار وحشیانه میلیونها کارگر مهاجر ثروت انبوهی برایش خلق کرده بودند اخراج کردند.

تصمیم به اخراج مهاجران نیز مانند بقیه تصمیمات شان بدون حساب و کتاب و هیجانی بود. حالا هنوز در حالی که یک ماه بیشتر از آن نگذشته در حالی که مقامات حکومتی از اخراج ۳ میلیون دیگر دم می زنند، آثار اخراجها دارد خودش را یکی یکی در بازار کار بروز می دهد.

روز ۲۲ مرداد گزارشی از انباشته شدن زباله در تهران و وضعیت نامطلوبی که در اثر آن ایجاد شده همراه با عکس و تفسیر در خبرگزاری ایرنا منتشر شد. گزارش معلوم می کرد که علت انباشت زباله به اخراج کارگران افغانستانی که از کشور اخراج شده‌اند بر می گردد. به این معنی که وظایف عمده نظافت شهر را شرکتهای پیمانکاری که نیروی کار آنها را عمدتا کارگران افغانستانی تشکیل می دادند به عهده داشتند و با اخراج آنها پیمانکاران که دنبال کارگران کم مزد و بدون بیمه و حقوق قانونی هستند نتوانسته‌اند جای خالی آنان را پر کنند. البته کمبود ایجاد شده در بخش ساختمان، دامداری، کشاورزی، معدن و صنعت هم مشهود است.

بهمین دلیل بخش وسیعی از سرمایه داران و کارفرمایان که از استثمار مضاعف کارگران مهاجر سود اضافی هنگفتی می بردند از بابت اخراج مهاجران زحمتکش و کم حقوق و مطیع قوانین برده دارانه زیان می بینند و معلوم می شود که انگیزه مخالفت شان با اخراج ها نه بواسطه مسائل انسانی بل که سود خواهی صرف بوده است.

طبعا آنهایی که به این وضع عادت کرده‌اند، برایشان دشوار است که کمبود نیروی کار لازم خود را با کارگرانی پر کنند که حاضر نیستند با شرایط مشابه کارگران مهاجر کار کنند.

در سالهای بعد از دهه اول انقلاب بتدریج یک طبقه سرمایه دار رانتی از میان هواداران حکومت شکل گرفته و به قدرت رسیده که سرمایه های خود را از طرق غیر متعارف و بواسطه نفوذ در ساختار سیاسی به چنگ اورده. این نوع سرمایه‌داری بواسطه فرهنگی نیز فرهنگ خاص خود را بوجود آورده است.

این طبقه چون ثروت خود را مفت به چنگ آورده نگاه و برخورد آن با طبقه کارگر و نیروی کار هم مفتخورانه و به شدت استثمارگرانه است و به دنبال جایگزین کردن نوعی روابط برده دارانه به جای مناسبات متعارف سرمایه داری است. بی دلیل نیست که کارگران از نظام حاکم با "عنوان برده داری مدرن" یاد می کنند.

از میان برداشتن اکثر قوانین حمایتی حتی آنهایی که در سالهای پیش از انقلاب در اثر مبارزات طبقه کارگر شکل گرفته بود توسط ساختار های عقب مانده حکومتی در راستای اراده و منافع این نوع سرمایه داری است.

از آنجا که این نوع نگاه تنها محدود به بخش خصوصی نیست و بخش خصوصی کلان در ایران امروز در واقع بخشی کاملا حکومتی است، می بینیم که این نوع مناسبات در موسسات مربوط به شهرداری ها، بیمارستانها، بخش آموزش، نفت، پتروشیمی ها و غیره ریشه دوانیده. اعتراضات پرستاران، کارگران شهرداریها، کارگران آب و فاضل آب، معلمان حق التدریسی، سیمبانان، راه آهن و امثالهم بازتاب ساختاری شدن این مناسبات در بخش دولتی هم هست. تقریبا اداره امور اکثر موسسات دولتی و سرنوشت کارکنان آنها به شرکتهای پیمانکاری سپرده شده است. حقوق و مزایایی که به کارکنان این موسسات داده میشود کمتر از کارکنان رسمی و شرایط کاری و استخدامی شان بدتر و ناپایدار است. به واقع امنیت شغلی که قبلا در موسسات دولتی وجود داشت در این شرکتها سلب و نوعی همسان سازی از لحاظ شرایط کاری و مزدی بین موسسات خصوصی و دولتی بوجود آمده که در حال گسترش است.

سپردن امورات شهرداری ها و یا آب و فاضلاب به شرکتهای پیمانکاری به جای استخدام مستقیم نیروی کار، یا سپردن تامین نیروی پرستار به شرکتهای واسطه‌ای دلال، سپردن امور شرکتهای نفتی به پیمانکاران، که سر نخ همه شان به هواداران حکومت ختم می شود و مناسبات به شدت استثمارگرانه حاکم بر همه ی این واسطه ها باز تاب حاکمیت شبه برده دارانه در کل سیستم اقتصادی کشور است.

جُنگ کارگری

گروه کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۴مرداد ۱۴۰۴، برابر ۱۶ آگوست ۲۰۲۵ | شماره ۳۳۶ | Iranian Workers Analects – No:336

مشکلات پیش آمده بعد از اخراج مهاجران یک حقیقت را باید هم برای حکومت و هم سرمایه داران کلان روشن کرده باشد که مناسبات برده دارانه متعلق به یک دوره اقتصادی- اجتماعی پایان یافته است و آن را از طریق زور و قدرت نمی توان امروزه اعمال کرد و برقرار نگاه داشت. اینکه شهرداری ها به دلیل مناسبات برده‌دارانه قادر به تامین منابع انسانی خود نیستند، سرمایه داران از کمبود نیروی کار می نالند، بخش ساختمان قادر به تامین نیروی کار خود نیست و...یک دلیل اصلی دارد و آن چیزی نیست به غیر از مناسبات حاکم بر روابط کار و سرمایه در ایران امروز. راه کار رفع این بحران به رسمیت شناختن حقوق کلیه کارگران اعم از ایرانی و غیر ایرانی و برسمیت شناختن حق تشکل و اعتصاب و قراردادهای دسته جمعی است.

اینکه ۵ میلیون ایرانی ترجیح می دهند بجای تن دادن به روابط ظالمانه حاکم بر بازار کار کشور، راننده اسنپ شوند، پرستاران حاضر به کار در بیمارستانهای خصوصی و دولتی نمی شوند و ترجیح می دهند مهاجرت کنند، جوانان دستفروشی و کار شخصی را بر کارکردن در موسسات دولتی و خصوصی ارجح می دانند، افراد تحصیل کرده دست به مهاجرت می زنند، شهرداریها قادر به تامین نیروی کار ایرانی نیستند و شهری مانند تهران به زباله دانی تبدیل می شود، عمدتا نتیجه مناسبات موجود است که دیر یا زود فرو خواهد پاشید و مردم از عاملان آن درنخواهند گذشت.

کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!

اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!

از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!

نان گران شود طبیعی است، دستمزد افزایش داده شود غیر طبیعی

ع امید

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت در بیست و یکمین نشست خبری با خبرنگاران در پاسخ به پرسش یکی از خبرنگاران راجع به گرانی نان پس از اشاره به افزایش پیاپی قیمت آر آن را طبیعی خواند و گفت " با گرانی آرد و دستمزد کارگران افزایش نرخ نان طبیعی است" او همچنین افزایش قیمت بنزین را تائید و زمان اعلام آن

را به آینده موکول کرد. نه افزایش قیمت نان طبیعی است و نه افزایش صد تا ۲۰۰ درصدی بسیاری از کالاها در مدت یک سالی که از تشکیل دولت پزشکیان گذشته است. یعنی در هیچ یک از دولتهای گذشته قیمت کالاها و خدمات و دارو و مسکن و کلا هزینه های زندگی به اندازه دولت یک ساله پزشکیان افزایش نداشته و نه یارانه ها در چنین ابعادی حذف و یا تعدیل شده‌اند. گرانی پیاپی نان در واقع در نتیجه حذف و کاهش سهمیه یارانه آرد، افزایش هزینه برق و آب و سوخت نانوایی ها توسط دولت رخ داده است. بر خلاف گفته سخنگوی بی اطلاع دولت دستمزد کارگران نانوایی ها در این مدت اساسا افزایش نیافته که بشود گرانی نان را به آن نسبت داد. بله در کشورهای دیگر هم گاها قیمت کالاها و خدمات چند درصدی ممکن است افزایش پیدا کند، ولی اولا نسبت آن با افزایش قیمت در ایران قابل قیاس نیست، ثانیا به همان نسبت دستمزدها نیز افزایش پیدا می کنند و تناسبی میان هزینه های زندگی و دستمزد ها ایجاد می شود. اتحادیه های کارگری مستقل نیز وجود دارند که از حق فعالیت و اعتصاب برخوردارند و می توانند بر سر افزایش دستمزد و سایر مطالبات با اتحادیه های کارفرمایی به نمایندگی از سوی کارگران مذاکره و قرارداد دسته جمعی منعقد کنند. در ایران هیچ کدام از اینها وجود ندارد و افراد کم اطلاعی مانند سخنگوی دولت می شود سخنگوی همه ی گروه‌ها و طبقات جامعه. گران شدن بنزین نیز در کشوری که ٦ میلیون از جمعیت از رانندگی و مسافر کشی امور زندگی شان را می گذرانند و همچنین تاثیر بلافصل گرانی بنزین و سوخت روی کالاها و خدمات از جمله نان بر کسی پوشیده نیست. بهمین دلیل افزایش نگهانی ۵۲ درصد به قیمت نان و ۱۰۰ درصد به قیمت برنج،در شرایطی که خط فقر ۵۰ میلیون تومان است و حقوق ۸۵ درصد همان خبرنگارانی که در مصاحبه مطبوعاتی شرکت داشتند نه طبیعی است و نه عادی است.

سخنگوی گفت: قیمت آرد از ۲،۵۰۰ تومان در سال ۱۳۹۹ به عدد ۱۱،۵۰۰ تومان در سال ۱۴۰۱ رسید، در " سال ۱۴۰۳ به ۱۷ هزار تومان و در سال ۱۴۰۴ به ۲۰ هزار تومان رسید، وقتی ماده اصلی نان گران می‌شود و دستمزد کارگران نانوایی و بیمه افزایش پیدا می‌کند طبیعی است که نان گران می‌شود. باید توجه داشته باشیم که نان محصولی است که حاصل فرایندهایی است".

خانم سخنگو البته در مورد اینکه چه کسی و چگونه موجبات افزایش قیمت نان را ظرف پنج سال به ۲۰ هزارتومان رسانده توضیحی نداد و به نقش کاهش و قطع یارانه آرد که توسط دولت و در راستای سیاستهای شوک درمانی حکومت انجام گرفته است اشاره‌ای نکرد و با شرح مقدار افزایش هر ساله قیمت آرد پرداخت تا بگوید گرانی نان وآرد طبیعی است و تابع بازار عرضه و تقاضاست و ربطی به دولت ندارد.

. .به حاشیه رفت تا از پرداختن به متن طفره برود

او افزایش دستمزد کارگران را نیز از عوامل دیگر گران شدن قیمت نان عنوان کرد. این ادعا در حالی از طرف سخنگوی دولت مطرح شد که اولا همان مقدار اندک دستمزد همه ساله کارگران که همیشه فرسنگها با افزایش قیمت نان و برنج و بقیه خوراکی ها فاصله داشته حتی کمتر از نرخ تورم دستکاری شده رسمی است، ثانیا همین اندک افزایش نیز سالهاست که شامل حال کارگران نانوایی ها نشده است و بارها کارگران نانوایی ها بارها به این عدم افزایش ناصواب در روزنامه های طرفدار دولت اعتراض کرده‌اند.

این گونه اظهار نظر کردن البته از خانم سخنگو که چند برابر یک کارگر نانوا حقوق رسمی اش است و کسانی که شکمشان سیر است دور از انتظار نیست. معیشت برای نجومی بگیران که بقول خودشان از صندوق بیت المال حقوق می گیرند مانند کارگران و کارمندانی که زندگی شان را با حقوق بخور نمیر سرمی کنند دغدغه شان نیست که بتوانند درد دیگران را بفهمند.

جُنگ کارگری

گروه کارگری

حزب چپ ایران

جمعه ۲۴مرداد ۱۴۰۴، برابر ۱۶ آگوست ۲۰۲۵ | شماره ۳۳۶ | Iranian Workers Analects – No:336

از این خانم باید پرسید اگر ۸ برابر شدن قیمت آرد و به همان نسبت قیمت نان ظرف پنج سال امری طبیعی است وارتباطی با سیاستهای اقتصادی اجتماعی دولت ندارد و تابعی از بازار عرضه و تقاضاست، چرا به همان نسبت که قیمت نان و برنج، حبوبات و بقیه کالاها و هزینه ها را بی ترمز بالا می برید، دستمزد کارگران، حقوق کارمندان و بازنشستگان را بالا که نمیبرید.؟

قیمت نان را که غذای اصلی اکثر مردم است اخیرا برای چندمین بار حداقل ۵۲ درصد افزایش دادید، قیمت برنج را که ۱۰۰ درصد گران کردید روزنامه هایتان از شکستن رکورد قیمت حبوبات خبر می دهند، آیا همه ی اینها طبیعی و تابعی از عملکرد بازار عرضه و تقاضاست و راهبردهای دولت شرایط آن را مهیا نکرده است؟ نخیر مقصر اصلی بهم خوردن تناسب میان دستمزد و حقوق ها با هزینه های زندگی، تورم، گرانی ها و سایر مشکلات در درجه اول دولت و سیاستهای اقتصادی – اجتماعی آن است که بر اساس منافع طبقه حاکم است که دولت مجری و پاسدار آن محسوب می شود

این نوع حکمرانی را می شود مدتی با زور شلاق و زندان و فریبکاری حفظ کرد اما، عمر آن دیری نخواهد پایید. اگر این حکومت شعور سیاسی و شناخت از مردم و اوضاع انفجاری کشورش داشت و می فهمید که شورش نان در راه است شاید طور دیگری با مردم رفتار می کرد.

روز ۲۶ مرداد بازنشستگان تامین اجتماعی، فرهنگی، فولاد، در شهرهای کرمانشاه، رشت، شوش، اهواز، تهران، اصفهان و شهرهای دیگر به خیابان آمدند و خواهان اجرای همسان سازی و افزایش حقوق، پرداخت معوقات، درمان رایگان شدند. در تعدادی از شهرها معترضین همچنین خواهان آزادی معلمانو کارگران و سایر زندانیان سیاسی و مدنی در بند شدند و اعتراض خود به گرانی، قطع برق و آب را نیز اعلام کردند

!بازنشسته؛ سکوت نه

کارگر زندانی، معترض زندانی، آزاد باید گردد

حق زندگی، نه فقر و تاریکی

آب و برق، رفاه و امنیت؛ حق ماست

اعتراض گسترده به تائید حکم اعدام شریفه محمدی فعال کارگری و اجتماعی

تعداد زیادی از تشکلها و احزاب کارگری، نهادهای مدنی و سیاسی بدنبال تائید دوباره حکم اعدام شریفه محمدی به رغم ابطال حکم در دادگاه تجدید نظر، اعتراض و انزجار خود را از این حکم ظالمانه اعلام و خواستار لغو آن و آزادی شریفه محمدی و دیگر زندانیان سیاسی و محکوم به اعدام شدند

اعتراض کارگران رسمی صنعت نفت در شرکتهای مختلف در این هفته نیز ادام پیدا کرد و کارگران معترض با تشکیل تجمعات اعتراضی گسترده در محل های کار خود بر تداوم اعتراضات خود تا رسیدن به خواسته هایشان تاکید کردند. تصویر بالا مربوط به اعتراض همکاران رسمی بخش عملیاتی و اداری شرکت نفت فلات

قاره در دو سکوی نفتی نصر و ایلام در منطقه سیری است که در ۲٤ مرداد برگزار شد

جُنگ کارگری

گروه کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۴مرداد ۱۴۰۴، برابر ۱۶ آگوست ۲۰۲۵ | شماره ۳۳۶ | Iranian Workers Analects – No:336

بیانیه سندیکای کارگران شرکت واحد در محکومیت صدور حکم زندان برای مسعود فرهیخته، معلم و فعال صنفی

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، صدور حکم سه سال و شش ماه و یک روز زندان برای مسعود فرهیخته، معلم شریف و فعال پرتلاش صنفی، را به شدت محکوم می‌کند.

مسعود فرهیخته نه مجرم است و نه مستحق مجازات؛ او صدای حق‌طلبی و عدالت‌خواهی در عرصه آموزش و پرورش کشور است. فعالیت‌های صنفی و مدنی او در راستای بهبود شرایط معلمان، ارتقای کیفیت آموزش، و دفاع از حقوق بنیادین نیروی کار آموزشی بوده است—اموری که نه تنها جرم نیستند، بلکه نشانه‌ای از مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تعهد به آینده فرزندان این سرزمین‌اند.

ما کارگران شرکت واحد، خود سال‌هاست که با فشارها، تهدیدها و احکام ناعادلانه مواجه بوده‌ایم و به خوبی می‌دانیم که سرکوب صدای عدالت‌خواهی نه به سود اکثریت جامعه، بلکه در خدمت منافع طبقات حاکم است. صدور چنین احکامی ناقض حقوق شهروندی، حق تشکل و آزادی بیان است.

ما ضمن اعلام همبستگی با مسعود فرهیخته و دیگر فعالان صنفی در حوزه آموزش، خواهان لغو فوری و بی‌قید و شرط این حکم ناعادلانه هستیم. همچنین از نهادهای مسئول، سازمان‌های حقوق کارگری و انسانی و تشکل‌های صنفی می‌خواهیم در برابر این بی‌عدالتی سکوت نکنند و از حقوق قانونی و انسانی فعالان کارگری و معلمی دفاع کنند.

نه به پرونده سازی

چاره کارگران و زحمتکشان وحدت وتشکیلات است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۲۶ مرداد : کارکنان شاغل در شرکت مهندسی و ساخت تاسیسات دریایی ایران در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه حقوق معوقه و حق بیمه و سایر مزایای شغلی شان مقابل ساختمان جدید شرکت ملی نفت در تهران تجمع کردند.

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۴مرداد ۱۴۰۴، برابر ۱۶ آگوست ۲۰۲۵ | شماره ۳۳۶ | Iranian Workers Analects – No:336

۲۶مرداد : همکاران ارکان ثالث در شرکت نفت و گاز گچساران برای پیگیر مطالبات خود تجمع کردند و با در ۲۶ دست گرفتن عکس همکارشان صابر آسایش که در چهارم مرداد در منطقه عملیاتی سولابدر (بی‌بی‌حکیمه) بخاطر محرومیت از درمان و عدم قبول در بیمارستان نفت فقط بدلیل اینکه استخدام رسمی نبود و مشمول درمان در این بیمارستان نمی شد، جان باخت، بار دیگر اعلام اعتراض کردند

چاره کارگران وحدت و تشکیلات مستقل است!

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

از مبارزه کارگران قراردادی و پیمانی برای لغو کار پیمانی و قرارداد های اسارتبار موقت حمایت کنیم!

***برای تماس با نشریه "جُنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جُنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

https://bepish.org/taxonomy/term/457